

پژوهش و توسعه حرفه ای ۲

پردیس زینب کبری (س)

دانشکده تخصصی

نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۸/۹۹

استاد: مریم پورصفائی

جلسه هشتم :

بیان مسئله و شواهد ۱

بیان مسئله عبارت است از شرح و توضیح ابعاد و زوایای مختلف مسئله که محقق با آن برخورد نموده است و شامل توصیف وضع موجود و بیان اهمیت و ضرورت رفع آن می باشد.

سه مرحله از مراحل اقدام پژوهی از چنان اهمیتی برخوردارند که با رعایت آنها می توان گفت اقدام پژوهی اجرا شده است .

اگر محقق به هریک از آنها نپردازد اقدام پژوهی انجام نشده است . و اعتبار تحقیق در هاله ابهام خواهد بود .

این سه مرحله عبارتند از:

۱-توصیف وضع موجود

۲-اجرای راه حل

۳-نتیجه یا توصیف وضع مطلوب

توصیف وضع موجود :

در جلسات قبل اشاره ای به توصیف وضع موجود شد .

توصیف وضع موجود بخش اصلی بیان مسئله است واهمیت بیان مسئله از همین جا قابل درک است .

بخش اول ومهم بیان مسئله که توصیف است به تبیین وتوصیف وشرح کامل وضع موجود که از نظر محقق وضع نا مطلوبی است می پردازد .

در این قسمت همه ابعاد ؛زوایا ؛کمبود ها ؛ضعف ها ؛کاستی ها ؛نقص ها به ویژه مواردی که بناست تغییر یابد مورد بررسی وبحث قرار داده می شود .

محقق برای تغییر وضع موجود وضعیتی که در بیان مسئله کاملاًشرح داده شد در جهت بهبودی تلاش می کند .

این وضعیت ممکن است در مقایسه باشرایط هم سطح ومشابه کار محقق وضع نامطلوبی باشد.

مانند سازگاری یا گوشه گیری یک دانش آموز؛ یا ضعف درسی دانش آموزان یک کلاس در مقایسه

با سایر کلاسها؛ یا ضعف بهره وری بخشی از اداره در مقایسه با سایر بخش ها (مسئله اصلاحی)

یک نمونه کار :

توصیف وضع موجود

دبستان دخترانه واقع در شهرستان می باشد

این آموزشگاه دارای چند پایه تحصیلی است.

تعداد دانش آموزان این آموزشگاه ۴۰۵ نفر است. پایه های اول ، دوم و سوم و چهارم و پنجم و

ششم در مدرسه و هر پایه دو کلاس دارد که در مجموع ۱۲ کلاس را شامل می شود

اینجانب با سابقه ۳ سال تدریس در مقاطع مختلف دبستان برای سال اول از مهر ماه سال

تحصیلی ۹۸-۹۹ در این دبستان مشغول به تدریس در پایه چهارم ابتدایی شده ام

در ابتدای سال با ورود به این کلاس متوجه یک موضوع اساسی در دانش آموزان پایه ی چهارم

شدم آن مسئله بدخطی آن ها بود.

کلاس دوم با داشتن ۲۲ دانش آموز دختر جمعیت مناسبی را به خود اختصاص داده بود در بین دانش آموزان دانش آموز (م.ت) به عنوان یکی از دختران پایه ی چهارم خطش نسبت به بقیه آشفته‌تری داشت.

هر چند در میان دانش آموزان دیگر هم بد خطی دیده می شد اما علایم بد خطی در (م.ت) بیش از سایرین مشهود بود

دانش آموز (م.ت) نا مرتب ، بی نظم ، با ظاهری به هم ریخته و پر سر و صدا بود اما درس هایش حکایت دیگری داشت . قرآن و ریاضی بسیار قوی ، املا و انشا بسیار ضعیف ، هنر و ورزش ، متوسط به پایین بود . بیشتر وقت ها مشق نمی نوشت اما از همان مشقش های اندک خود متوجه بدخطی مفرط اومی شدید . اقدام پژوهی چگونه بد خطی دانش آموزم را بهبود دادم

(م ت) که همیشه دوست داشت دل معلم را به دست آورد دختری مرتب ، تمیز و آب زیر کا بود که درس های قرآن و ریاضیش متوسط ، املا ، انشا و هنرش ضعیف اما در ورزش حرف ها برای گفتن داشت. خطش بقیه اندکی بهتر بود اما باز در مجموع خوب نبود و ، همیشه بالا پایین می نوشت ، دفترش را کثیف می کرد و در کل اگر به دفتر مشقش نگاه می انداختید متوجه بد خطی . او هم می شدید

زهرا دختری خشن ، بسیار محکم که هیچ وقت دوست نداشت تحقیر شود و جلوی هیچ کس حتی معلمش ، کم بیاورد . او در درس های ریاضی وضعش از (م.ت) بهتر بود اما درس قرآنش از

زهرآ بدتر بود . املا و انشایش هم ضعیف بود . در درس هنر حرفی برای گفتن نداشت اما در ورزش همیشه تکاور میدان بود . پرستو تکالیفش را همیشه می نوشت اما با خطی بسیار بد . او اوایل بسیار ریز می نوشت که اصلاً خوانده نمی شد . اما حالا که کمی بزرگتر می نویسد بسیار بد خط تر شده و دفترش نمایی از هنرش است .

نکته بسیار مهم :

توصیف باید حاوی اطلاعاتی باشد که مبنای شواهد یک باشد .

یک نمونه دیگر :

اینجانب آموزگار و دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت نیروی انسانی و ۱۲ سال سابقه آموزشی و سه سال متوالی سرگروه مدیران دوره متوسطه شهرستان فراهان بوده ام . در سال تحصیلی ۹۲- ۹۱ به شهرستان اراک منتقل شده ام و این اولین سال ورود من به این مدرسه است . مدرسه مهرگان واقع در شهر اراک می باشد . شامل ۱۲ کلاس ابتدایی ، جمعاً دارای ۶۰۰ نفر دانش آموز می باشد . ساختمان مدرسه قدیمی و دو طبقه است .

در ماه مهر طبق روال وظایف خود را در مراسم آغازین مدرسه و در کلاس به دانش آموزان معرفی نمودم . برای آشنایی بیشتر با دانش آموزان پرسشنامه تهیه کرده بودم . یکی از سوالات پرسشنامه عبارت است از: آیا مشکلی دارید که من بتوانم در آن زمینه به شما کمک کنم ؟

بعد از تکمیل فرم‌ها آن‌ها مطالعه کردم تا شناخت بیش‌تری نسبت به دانش‌آموزان کسب نمایم. ضمناً دانش‌آموزانی را که نیاز به خدمت دارند شناسایی کنم. آن چه که توجه مرا جلب کرد بررسی پرسشنامه بود که اکثر آن‌ها در پاسخ به این سوال که آیا مشکلی دارید؟ در مورد اضطراب به‌خصوص اضطراب امتحان راهنمایی خواسته بودند. چرا اکثر دانش‌آموزان این کلاس مشکل اضطراب داشتند؟

در اوایل سال وقتی امتحان می‌گرفتم .یکی از دانش‌آموزان کلاس را مشاهده نمودم. او بسیار مضطرب و نگران بود و حال مناسبی نداشت. اثری از شادابی و نشاط در چهره‌اش نمی‌دیدم. تصمیم گرفتم با او ارتباط بیش‌تری برقرار نمایم .پس از سلام و احوال‌پرسی گرم و صمیمانه با روی باز و گشاده از او دعوت کردم که در اتاق معلمان بنشیند.

پس از برقراری ارتباط و ایجاد جوی صمیمانه و دوستانه برای این که از وضعیت فعلی و قبلی وی تصویری روشن داشته باشم او را زیر نظر گرفتم و ارتباط بیش‌تری با او برقرار کردم که نتیجه‌ی آن به شرح ذیل می‌باشد.

وضعیت خانوادگی:

نام او ساحل بود و در سال ششم مقطع ابتدایی تحصیل می‌کرد. او در یک خانواده شهری به دنیا آمده بود. پدر و مادرش هر دو زنده‌اند و از سلامت جسمانی برخوردارند. دارای یک خواهر کوچک‌تر می‌باشد که پنج ساله است. پدرش دارای تحصیلات فوق دیپلم است و دارای شغل آزاد

می‌باشد. مادرش مدرک دیپلم را دارا می‌باشد. پدر ساحل فردی سخت‌گیر است و توقعش از مسائل درسی و رفتاری ساحل بالاست. طرز فکرش این‌گونه است که باید در هر کاری اول باشی و همواره انتظار نمرات بالا بدون در نظر گرفتن توانایی ساحل از وی داشت و معمولاً روی این مسئله با ساحل و مادرش درگیر می‌شد. بدبین بوده از نظر رفتاری نیز حرف‌های خودش برایش مهم بوده و شخصیت غیرقابل انعطاف یا به عبارت دیگر تفکر همه یا هیچ دارد. مادر ساحل فردی صبور و قابل انعطاف بوده و در مقابل خواسته‌های همسرش به علت جلوگیری از درگیری معمولاً تسلیم می‌شود. در خانواده‌ی ساحل جو پدرسالاری حاکم است و روابط بین اعضای خانواده چندان مطلوب نمی‌باشد.

وضعیت شخصی:

ساحل بعد از تولد تا سنین کودکی اوقات خوشی داشته است تا این که مشکل او با زیاد شدن درس‌ها و کلاس چهارم ابتدایی به بعد شروع می‌شود و اگر نمره‌ی دلخواه پدرش را نمی‌گرفت مورد سرزنش فراوان واقع می‌شد و دائماً بدون در نظر گرفتن توانایی‌ها و استعدادهایش با دیگران مقایسه می‌شد به علت رفتار خشن پدر دچار اضطراب به خصوص اضطراب امتحان شده بود. کمرو بود و دوستان زیادی نداشت.

وضعیت روانی:

ساحل مضطرب و پریشان بوده و مهارت‌های لازم برای حل مشکلات را نمی‌دانست. با کوچک‌ترین مشکلی گریه می‌کرد. با وجود مطالعه‌ی فراوان اضطراب تحصیلی و اضطراب در امتحان داشته و معمولاً در جلسه‌ی امتحان آن‌چه خوانده بود را فراموش می‌کرد. نمراتش کم‌تر از تلاشی بود که انجام می‌داد. دوستان چندانی نداشت و معمولاً تنها بود. تصویر خوبی از خودش نداشت. تصویر خوبی از پدرش نداشت و او را فردی مستبد خشن، بدبین و بداخلاق تصور می‌کرد ولی نسبت به مادرش تصویر مثبت‌تری داشت.

از این که نمی‌توانست نمرات دلخواه پدرش را کسب نماید از نظر روحی خود را سرزنش می‌کرد و اضطرابش بیش‌تر می‌شد. علائم اضطراب یعنی تپش قلب، عرق کردن، تهوع و سرگیجه، دلشوره و افکار نامربوط و سردردهای عصبی را داشت. به رشته علوم تجربی و شغل پزشکی علاقه‌مند بود.

با توجه به شرایطی که ساحل در آن به سر می‌برد یعنی هم از نظر خانواده به‌خصوص پدر تحت فشار بود و هم این که با وجود مطالعه نمی‌توانست نمره‌ی واقعی خود را کسب نماید به عبارت دیگر دچار اضطراب امتحان شده بود و نمی‌توانست افکارش را متمرکز کند و از نظر روحی و جسمی دچار آسیب شده بود و از سوی دیگر چند نفر از بچه‌های آن کلاس نیز به نوعی دچار اضطراب امتحان بودند مرا متوجه این سوال کرد که چرا ساحل و برخی از دانش‌آموزان دچار اضطراب امتحان شده‌اند و من به عنوان آموزگار چه کارهایی می‌توانم انجام دهم که به ساحل و بچه‌های این کلاس کمک کنم. چرا که احساس کردم مسئله‌ی امتحان برای ساحل و سایر

دانش‌آموزان به یک غول بی‌شاخ و دم تبدیل شده که باید تلاش می‌کردم تأثیر این غول بی‌شاخ و دم را برای ساحل و دوستانش از بین ببرم و شرایط فعلی را تغییر داده و شرایط مطلوب‌تری را برایشان فراهم کنم.

ضمناً باید روی خانواده‌ی ساحل به‌خصوص پدرش نیز خدمات مشاوره‌ای داشته باشم و وضعیت خانوادگی کنونی وی را به‌خصوص نگرش پدرش را تغییر می‌دادم و با مادرش هم در ارتباط با نحوه‌ی برخورد صحیح با نوجوان صحبت می‌کردم تا محیط امن‌تری برای وی فراهم شود و او هم در خانه و هم در مدرسه احساس آرامش کند چرا که اگر من مسئله‌ی ساحل را جدی نمی‌گرفتم ممکن بود شرایط جسمی، روحی و تحصیلی وی بدتر شود و دچار اختلالات روحی و افت تحصیلی شدید شده و اعتماد به نفس خود را از دست داده و به فرد منزوی و گوشه‌گیر تبدیل شده و احساس بی‌ارزشی و پوچی نماید که نه برای خودش و نه برای جامعه‌اش مفید باشد و به تدریج مشکلات دیگری بر مشکلات او اضافه شود. مثلاً ارتباط با دوستان ناباب، مشکلات رفتاری و عدم موفقیت در تحصیل و رشته‌ای که به آن علاقه‌مند است. لذا تصمیم گرفتم هرچه بیش‌تر تلاش کنم تا وضعیت وی را تغییر دهم تا او و امثال وی بتوانند با آرامش زندگی کنند، با آرامش مطالعه کنند، محیط خانه را دوست بدارند و آن را بهترین جایگاه و امن‌ترین محیط زندگی بدانند، با آرامش در جلسه‌ی امتحان حاضر شوند و نمرات واقعی خود را به دست آورند. احساس خود ارزشمندی نمایند و خودشان را دوست داشته باشند، به خانواده کمک کنم تا توانایی‌های واقعی ساحل را بشناسند و به اندازه‌ی توان وی از او انتظار داشته باشند هم‌چنین روش‌های صحیح برخورد با نوجوانان را بیاموزند و فرزندان خود را بلدیگران مقایسه نکنند و جو حاکم بر

خانواده که پدرسالاری بود را به جو بهتر و متعادل تری تغییر دهم. از افت تحصیلی وی و امثال وی پیشگیری کنم تا آنان افرادی توانا و با اعتماد به نفس شده و با عشق و علاقه به دبیران و به کتاب‌های درسی و به امتحان نگاه کنند. خود و توانایی‌های خود را کشف نموده و بتوانند انتظارات معقول و منطقی از خود داشته باشند و مهارت مقابله با مشکلات را به طور صحیح یاد بگیرند که رسیدن به این اهداف خود به خود موجب پیشرفت تحصیلی آنان نیز می‌شود.

بنابراین با امید به استعانت خداوند متعال مصمم شدم با بررسی بیش‌تر، مطالعه و تحقیق و همکاری والدین ساحل و همکاران آموزشگاه و همفکری مشاور محترم مشکل ساحل را برطرف نمایم و او را از عواقب مذکور دور سازم.

باتشکر پورصفائی ۹۹/۲/۷